

## امام حسین(ع) در منابع اهل سنت

رسول گرامی اسلام فرمود: به وسیله من آگاه شدید با علی راه یافتید و هدایت شدید، نیکی ها به واسطه حسن به شما عطا شد ولی سعادت و شقاوت شما با حسین است.

رسول گرامی اسلام فرمود: به وسیله من آگاه شدید با علی راه یافتید و هدایت شدید، نیکی ها به واسطه حسن به شما عطا شد ولی سعادت و شقاوت شما با حسین است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن پیش رو ذکر فضائل امام حسین(ع) از دیدگاه اهل سنت است که از نظر می گذرد؛ حسین بن علی(ص) در مدینه منوره در سال چهارم هجری در روز سه شنبه سوم ماه شعبان یا پنجشنبه پنجم همان ماه متولد شد بعضی از مورخان تولد آن حضرت را روز آخر ربیع الاول سال سوم هجری دانسته و بعضی دیگر گفته اند در پنجم جمادی الاول سال سوم یا چهارم هجرت به دنیا آمده است بنابراین درباره تولد آن حضرت چند قول وجود دارد، ولی قول مشهور این است که ایشان در روز سوم شعبان سال چهارم هجرت به دنیا آمده است . [1].

هنگامی که آن حضرت متولد شد او را نزد جد بزرگوارش رسول خدا(ص) آوردند آن حضرت بادیدن او سخت مسرور شد و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت و روز هفتم تولدش گوسفندی برای او عقیقه کرد و به مادرش فرمود: «سرش را بتراشید و به وزن موهایش نقره صدقه دهید.» آن حضرت شش سال و چند ماه با جد بزرگوارش رسول خدا(ص) و پس از آن بیست و نه سال و یازده ماه با پدرش امیرالمؤمنین (ص) و پس از آن حدود ده سال با برادرش امام حسن(ص) و حدود ۱۰ سال پس از شهادت امام حسن (ص) زندگی کرد مدتی که آن حضرت پس از امام حسن (ص) زندگی کرده است ، مدت امامت او محسوب می شود.

کنیه امام حسین(ع) ابوعبدالله بود لقبهای فراوانی به آن حضرت داده اند و از جمله پس از شهادت، ایشان را سیدالشهدا خواندند چنان که می دانیم تا پیش از آن لقب سیدالشهدا بر حمزه عموی پیامبر اطلاق می شد و پس از شهادت سبط گرامی رسول الله آن حضرت را به این لقب خواندند.

### نامگذاری توسط پیامبر (ص)

در روایات آمده است که نامگذاری آن حضرت و برادر بزرگوارش به حسین و حسن ، توسط شخص پیامبر اکرم صورت گرفته است و تصریح شده است که این نامگذاری به دستور خداوند متعال بوده است. از علی بن ابیطالب نقل کرده اند که فرمود: آن گاه که حسن به دنیا آمد نام عمویم ((حمزه)) را بر او نهادم و آن گاه که حسین متولد گشت نام عموی دیگرم ((جعفر)) را بر او گذاشتم روزی رسول خدا(ص) مرا فراخواند و فرمود: من مامور شده ام که نام آن دو را تغییر دهم ، از این پس آنان را حسن و حسین بخوانید [۲].

در روایات دیگر آمده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: حسن و حسین را به نام فرزندان هارون نامیدم ، او فرزندان را ((شیر)) و ((شیر)) نامید و من فرزندانم را به همان نام (به لفظ عربی) حسن و حسین نامیدم [۳].

### خبر از شهادت در هنگام تولد

اسما بنت عمیس می گوید: وقتی امام حسین (ص) متولد شد، رسول خدا(ص) آمد فرمود: اسما! پسر مرا بیاور من کودک را در پارچه سفیدی پیچیدم و به حضرت دادم .

حضرت در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت ، بعد در حالی که او را در دامن خود گذاشته بود، گریست. گفتم : پدر و مادرم فدایت چرا گریه می کنی؟

فرمود: برای این پسر

گفتم : او در همین ساعت متولد شده و تو برایش گریه می کنی؟

فرمود: آری ای اسما! گروه سرکشی او را می کشند، خدا شفاعتم را نصیبتان نکند.

بعد فرمود: این خبر را به فاطمه نرسان که تازه فرزندش به دنیا آمده [۴].

روزی ام الفضل همسر عباس عموی پیامبر، خدمت آن حضرت رسید و عرض کرد: ((یا رسول الله (ص) من امشب خواب بدی دیدم ، دیدم گویا قطعه ای از بدن مبارک شما جدا شده در دامن من افتاد.

فرمود: خیر است فاطمه پسری می آورد که تو او را پرورش خواهی داد خدمت پیامبر رسیدم و کودک را در دامنش نهادم و چند لحظه از آن حضرت چشم برداشتم ، وقتی دوباره نگاهش کردم ، دیدم اشک از چشمانش سرازیر است.

گفتم : پدر و مادرم فدایت یا رسول الله چرا گریه می کنی؟

فرمود: هم اکنون جبرئیل آمد و به من خبر داد که امت من این پسر را می کشند)) [۵].

هنگامی که امیرالمؤمنین (ص) به طرف صفین می رفت در راه از کربلا گذشت در آن جا توقفی کرد و چنان گریست که زمین را از اشک خیس کرد آنگاه فرمود: ((روزی خدمت رسول خدا رسیدم دیدم حضرت گریه می کند، گفتم: پدر و مادرم فدایت یا رسول الله (ص) چرا گریه می کنی؟

فرمود: هم اکنون جبرئیل این جا بود او به من خبر داد که پسر حسین در کنار شط فرات در زمینی به نام کربلا کشته خواهد شد و مشتی از خاک آنجا را ببریم آورد تا ببویم و من نتوانستم از گریه خودداری کنم.

و همان جا بود که امیرالمؤمنین (ص) فرمود: این جاست اقامتگاه و بارانداز ایشان، این جاست که خونشان را می ریزند، گروهی از آل محمد در این صحرا کشته می شوند که زمین و آسمان به حالشان گریه خواهد کرد [۶].

#### شباهت با رسول خدا(ص)

در اخبار فراوان آمده است که آن حضرت شبیه ترین فرد به رسول الله (ص) بود اصحاب پیامبر بارها این نکته را در مورد سیرت و صورت امام حسین (ع) یادآور شده اند، مخصوصاً یادآور شده اند که قامت ایشان بسیار شبیه به پیامبر بود، به طوری که هر کس قامت آن حضرت را مشاهده می کرد به یاد رسول خدا می افتاد [۷].

عاصم بن کلیب از پدرش نقل کرده است که شبی رسول خدا را در خواب دیدم و خواب خود را برای ابن عباس نقل کردم [تا ببینم که آیا خواب من درست بوده است یا خیر] او گفت: آیا هنگامی که پیامبر را دیدی به یاد حسین بن علی نیفتادی؟ گفتم: آری! به خدا قسم هنگامی که رسول خدا قدم برمی داشت و راه می رفت، کاملاً به حسین بن علی شباهت داشت ابن عباس گفت: ما همواره او را به پیامبر شبیه می دانستیم.

انس بن مالک می گوید: نزد عبیدالله بن زیاد بودم که سر حسین بن علی را در یک تشت به مجلس آوردند ابن زیاد با چوبی به بینی و صورت آن حضرت اشاره کرد و گفت: من چهره ای به این نیکویی ندیده ام گفتم: ای ابن زیاد! مگر نمی دانی که حسین بن علی شبیه ترین مردم به رسول خدا بود [۸].

#### علاقه رسول خدا(ص) به امام حسین (ع)

یکی از زیباترین و برجسته ترین نکات زندگی امام حسین، توجه شدید و علاقه بی نظیر پیامبر اکرم به ایشان و برادر بزرگوارش امام حسن (ع) است این نکته آن چنان آشکار و نمایان بود که صفات زیادی از کتب تاریخ و حدیث را به خود اختصاص داده است در این جا گوشه ای اندک از این مطالب را یادآور می شویم.

#### دوستی با حسین(ع)

رسول گرامی اسلام (ص) به مهمانی دعوت شده بود با گروهی از اصحاب به میهمانی می رفت در راه امام حسین (ص) را دید که در کوچه بازی می کند، پیش رفت تا او را بگیرد، ولی او کودکانه گریخت و هر چه حضرت به دنبال او رفت او به سوی دیگری جست و آن حضرت همچنان خنده کنان او را دنبال می کرد تا او را گرفت آن گاه دستی بر پس گردن و دستی در زیر چانه او گرفته دهان بر دهانش گذاشت و او را بوسید و بعد فرمود: حسین از من است و من از حسینم خدا دوست بدارد کسی را که حسین را دوست دارد [۹].

زید بن حارثه نقل می کند: می خواستم برای انجام کاری خدمت رسول خدا(ص) برسم شبانه به منزل آن حضرت رفتم و درب خانه را کوبیدم پیامبر در حالی که چیزی در زیر عباي خود داشت بیرون آمد پس از آن که کارم تمام شد، پرسیدم: ای رسول خدا! چه همراه داری؟ عباي خویش را به کنار زد و حسن و حسین را که در برگرفته بود به من نشان داد و فرمود: اینان فرزندان من و فرزندان دختر من هستند آن گاه رو به آسمان کرد و فرمود:

اللهم انك تعلم انی احبهما فاحبهما و احب من یحبهما. خدایا! تو می دانی که من این دو را دوست دارم، پس آنها را دوست بدار و دوست بدار هر کس آن دو را دوست بدارد [۱۰] سلمان فارسی نیز از پیامبر اکرم در خصوص امام حسین و امام حسین روایت کرده است که فرمود: من احبهما احبته و من احبته الله و من احبه الله ادخله جنات النعیم، و من ابغضهما ابغضته و من ابغضته الله و من ابغضه الله ادخله نار جهنم و له عذاب مقیم.

هر کس فرزندان حسن و حسین را دوست بدارد، من او را دوست دارم و هر کس من او را دوست بدارم، خداوند او را دوست دارد و هر کس خدا او را دوست بدارد به بهشت های پر از نعمت وارد خواهد شد اما هر کس آن دو را دشمن بدارد و بر آنها ستم روا دارد، من او را دشمن خواهم داشت و هر کس من او را دشمن دارم، خداوند او را دشمن دارد و به آتش جهنم در افکند و در عذاب پایدار بماند [۱۱].

این علاقه و عنایت ویژه پیامبر اکرم (ص) به امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) را صرفاً نمی توان به یک رابطه عاطفی و علاقه خویشاوندی حمل کرد مضامین روایاتی که در کتب فریقین فراوان نقل شده است، نشان می دهد که رسول خدا(ص) با اطلاع و آگاهی از مسیر آینده جامعه اسلامی، می خواستند بدین وسیله راه حق و باطل را به روشنی از یکدیگر تفکیک و متمایز سازند در واقع پیامبر اکرم با این سخنان گویا همه دشمنی ها و کینه توزی هایی را که در آینده بر ضد خاندان نبوت انجام خواهد شد، برای حق پویان و حقیقت طلبان پیش گویی می کردند شاید از این روست که در روایات دیگر، رسول خدا صریحاً از جنگ و پیکار با اهل بیت یاد کرده است و جنگ با ایشان را همچون جنگ با خودش دانسته است.

دانشمندان برجسته اهل سنت از زید بن ارقم و ابوهریره و دیگران روایت کرده اند که پیامبر در هنگام فوت، آن گاه که در بستر بیماری افتاده بود، رو به علی و فاطمه و حسن و حسین کرد و فرمود: ((انا حرب لمن حاربکم و سلم لمن سالمکم، یعنی: من با هر کس که با شما بجنگد در جنگ خواهم بود و با هر کس با شما دوستی کند دوست خواهم بود)) [۱۲].

این عبارت بارها و بارها از سوی پیامبر اکرم در شان اهل بیت گرامیش صادر شده است [۱۳] از جمله نقل کرده اند که آن حضرت بارها رو به خانه علی و فاطمه و حسن و حسین می ایستاد و می فرمود: ((انا حرب لمن حاربتم و سلم لمن سالمتم، یعنی می جنگم با هر کس که شما با او بجنگید و دوستی می کنم با هر کس که شما با او دوستی کنید)).

برا بن عازب روایت کرده است که رسول اکرم (ص) در مورد امام حسین (ع) فرمود: ((هذا منی و انامنه و هو محرم علیه ما

یحرم علی ، یعنی حسین از من است و من از حسینم و هر چه بر من حرام است برحسین نیز حرام است )) [۱۴].

علاقه جبرئیل به حسین

در روایات آمده است روزی حسن و حسین ، در کودکی ، پیش روی پیامبر (ص) با یکدیگر کشتی می گرفتند و پیامبر دائماً حسن را تشویق می کرد فاطمه رو به پدر کرد و عرض کرد: ای رسول خدا! شما حسن را که برادر بزرگتر است در مقابل حسین که کوچکتر است تشویق می کنید؟ پیامبر فرمود: زیرا جبرئیل شاهد این ماجرا بود و حسین را تشویق می کرد و من حسن را.

#### مهرورزی پیامبر(ص) به حسین(ع)

مهر و محبت پیامبر به امام حسین و برادر بزرگوارش امام حسن زبانزد عام و خاص بوده است گذشته از گفتاری که نقل شد، از رفتار حضرت با ایشان حکایات فراوانی نقل کرده اند که این نکته به خوبی معلوم می شود. نقل شده است که گاه در هنگام نماز جماعت ، حسن و حسین ، که کودکانی خردسال بودند، نزد جدبزرگوارشان می رفتند و در سجده بر دوش آن حضرت سوار می شدند برخی از اصحاب پیش دستی می کردند تا کودکان را از رسول خدا دور کنند، ولی آن حضرت اشاره می فرمودند که آنها را به حال خود واگذارید سپس به آرامی دست آنها را می گرفتند و پایین می آوردند و بر زانوان خویش می نشانند [۱۵] روزی پیامبر سجده نماز را، بر خلاف معمول ، طولانی کرد نماز که تمام شد، نمازگزاران عرض کردند: امروز سجده را طولانی تر به جای آورید آیا وحی نازل شده و دستوری رسیده است؟ فرمود: خیر، فرزندم حسین بر شانه ام سوار بود، خواستم صبر کنم تا او کار خویش را انجام دهد و لذتش را از بین نبرده باشم [۱۶].

عمر بن خطاب نقل می کند که روزی رسول خدا را دیدم که حسن و حسین را بر شانه های خویش سوار کرده بود رو به آن دو کردم و گفتم : چه اسب خوبی دارید!! پیامبر (ص) فرمود: و اینها چه سوارکاران خوبی هستند! [۱۷]. ابی بریده نقل می کند که روزی رسول خدا(ص) در مسجد برای ما خطبه می خواند که ناگهان حسن و حسین به مجلس وارد شدند و پیراهن قرمز رنگ به تن داشتند، به طوری که در هنگام راه یافتن بر زمین می کشید پیامبر از منبر پایین آمدند و آن دو را بغل کردند و جلوی خویش نشانند سپس فرمودند: خداو رسولش راست گفتند که : انما اموالکم و اولادکم فتنه این دو فرزندم که چنین راه می روند آن چنان مشعوف شدم که نتوانستم به سخنانم ادامه دهم [۱۸].

#### گریه امام حسین (ع)

پیامبر اکرم (ص) از در خانه فاطمه (س) می گذشت صدای گریه امام حسین (ص) را شنید فرمود: دخترم ! فرزندم حسین را ساکت کن ، مگر نمی دانی که صدای گریه این کودک مرا آزار می دهد [۱۹].

#### حسین(ع) بهترین است

حذیفه یمان می گوید: روزی پیامبر اکرم (ص) وارد مسجد شد امام حسین (ص) را روی دوش گرفته بادهای مبارکش پاهای او را به سینه می فشرد فرمود: ای مردم می دانم درباره چه موضوعی اختلاف دارید (منظورش بهترین های بعد از خودش بود این حسین بن علی (ص) کسی است که بهترین جده (مادر بزرگ) را دارد، جدش محمد، رسول خدا(ص) ، سالار پیامبران و جده اش خدیجه ، دختر خویلد، اولین زنی است که به خدا و رسولش ایمان آورد این حسین بن علی بهترین پدر و مادر را دارد، پدرش علی بن ابیطالب برادر، وزیر و پسر عموی رسول خدا و اولین مردی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و مادرش فاطمه دختر محمد بانوی زنان جهان است این حسین بن علی بهترین عمو و عمه را دارد، عمویش جعفر بن ابیطالب است که خدایش با دو بال زینت داده تا در بهشت به هر جا که خواهد پرواز کند و عمه اش ، ام هانی دختر ابیطالب است این حسین بن علی (ص) بهترین دایی و خاله را دارد، دایی اش قاسم پسر رسول خدا و خاله اش زینب ، دختر رسول خداست ، آن گاه کودک را از شانه خود بر زمین نهاد تا در پیش رویش به بازی بپردازد و فرمود: مردم این حسین ، جد و جده اش در بهشت اند، دایی و خاله اش در بهشت اند و خودش و برادرش نیز در بهشت اند [۲۰]

#### اگر مردم می دانستند

از تشییع جنازه بر می گشتیم در بین راه امام حسین (ص) خسته شد و کنار راه نشست ابو هریره (پیرومرد مورد احترام زمان خود) در کنارش نشست و با لباس خود خاک از پای آن حضرت می سترد حضرت فرمود: ابوهریره ! چرا تو این کار را می کنی ؟ عرض کرد: بگذار من این کار را بکنم ، به خدا اگر آنچه را من درباره تو می دانم ، این مردم می دانستند تو را برگردن های خود حمل می کردند [۲۱]. مدرک بن عماره نقل می کند که روزی ابن عباس را دیدم که رکاب حسن و حسین را گرفته بود و راه می برد به او اعتراض کرده گفتند: تو رکاب آنها را گرفته ای در حالی که از آنها مسن تر هستی؟! گفت: این دو فرزندان رسول خداو جگرگوشه او هستند، آیا سعادت از این بالاتر است که من رکاب آنها را بگیرم [۲۲].

#### فضایل و مناقب

در فضایل امام حسین (ع) آن قدر گفته اند که همه آنها در يك یا چند دفتر نمی گنجد از این رو در اینجا، همچون مباحث گذشته ، به نمونه هایی چند اکتفا می کنیم لازم به یادآوری است که در ذیل هر يك از عناوین زیر، گاه تا ده ها روایت نقل شده است.

#### آقای جوانان بهشت

امام علی (ع) از رسول خدا(ص) روایت کرده است که فرمود: الحسن و الحسين سیدا شباب اهل الجنة ، یعنی حسن و حسین آقای جوانان اهل بهشت هستند [۲۳]. ابن عباس نیز از آن حضرت نقل کرده است: الحسن و الحسين سیدا شباب اهل الجنة من احبهما فقد احبني و من ابغضهما فقد ابغضني [۲۴]. همین روایات را عمر بن خطاب و فرزندش عبدالله بن

عمر نیز از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده اند [۲۵].

از حذیفه بن یمان صحابی معروف پیامبر، نقل شده است که شبی خدمت رسول خدا (ص) رسیدم و نماز مغرب را با ایشان خواندم حضرت برخاست و دائما نماز می خواند تا هنگام نماز عشا رسید نماز عشا را نیز با آن حضرت خواندم و منتظر ماندم پیامبر از مسجد خارج شد تا به خانه خویش رود پشت سر او راه افتادم، گویا با کسی سخن می گفت که من دقیقا ندانستم که چه می فرماید ناگهان رو به عقب کرد و فرمود: کیستی؟

گفتم: حذیفه

گفت: فهمیدی چه کسی با من بود؟

گفتم: خیر

گفت: جبرئیل امین بود که سلام خدای را به من رساند و مرا بشارت داد که فاطمه بانوی زنان بهشت و حسین و حسین آقای جوانان بهشتی هستند.

عرض کردم: ای رسول خدا! برای من و مادرم استغفار کن.

فرمود: خداوند تو و مادرت را ببخشد [۲۶].

جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا روایت کرده است که روزی در مسجد در کنار آن حضرت با اصحاب بزرگوارش نشسته بودیم حسین (ع) وارد مسجد شد پیامبر رو به ما کرد و فرمود: من اراد ان ينظرالى سيد شباب اهل الجنة، فلينظر الى الحسين بن علي، یعنی: هر کس می خواهد به آقای جوانان بهشت نگاه کند، به چهره فرزندم حسین بنگرد [۲۷].

**حسین(ع) بابی از بهشت**

رسول گرامی اسلام فرمود: به وسیله من آگاه شدید با علی راه یافتید و هدایت شدید، نیکی ها به واسطه حسن به شما عطا شد ولی سعادت و شقاوت شما با حسین است آگاه باشید که حسین یکی از درهای بهشت است هر کس به او دشمنی کند خدا بوی بهشت را بر او حرام می کند [۲۸].

**حسین(ع) و آیه تطهیر**

ام سلمه، زن با وفای رسول خدا (ص) نقل می کند که روزی فاطمه (س) غذایی برای پدر بزرگوارش آورد آن روز پیامبر در خانه من بود رسول الله نسبت به دخترش احترام کرد و فرمود: برو و پسر عمویم علی و فرزندانم حسن و حسین را نیز دعوت کن تا با هم غذا بخوریم پس از مدتی فاطمه و علی در حالی که دستان حسن و حسین را در دست داشتند، بر پیامبر وارد شدند همان دم جبرئیل بر پیامبر نازل شد و آیه شریفه تطهیر را نازل فرمود: انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیرا (احزاب / ۳۳) یعنی: خداوند اراده کرده است تا هرگونه زشتی و پلیدی را از شما اهل بیت دور گرداند و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

حضرت رو به من [ام سلمه] کرد و فرمود: کسای خیبری را، که عبايي بزرگ بود، بیاورم علی (ع) را در طرف راست و زهرا را در طرف چپ و حسن و حسین را بر پای مبارکش نشاند و کسا را بر آنها انداخت با دست چپ، عبا را سخت بر هم پیچید و دست راست را به طرف آسمان بلند کرد و سه بار فرمود:

اللهم هؤلاء اهل بيتي و حامتي، اللهم اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا، انا حرب لمن حاربتم و سلم لمن سالمتم و عدو لمن عاداکم.

خداوند! اینان اهل بیت و خاندان من هستند، [چنان که وعده فرمودی] پلیدی را از ایشان دور دار و آنان را پاک و معصوم دار، من می جنگم با کسی که شما [اهل بیت] با او جنگید، و آشتی می کنم با کسی که شما آشتی کنید و دشمن کسی هستم که با شما دشمنی کند [۲۹].

از این روایت که در منابع حدیث از طرق مختلف نقل شده است و مورد اتفاق شیعه و سنی است، به دست می آید که امام حسین(ع) یکی از مصادیق آیه تطهیر است از روایات و قراین بسیار می توان ثابت کرد که در زمان نزول آیه تطهیر، جز همین پنج تن کس دیگری مشمول آیه تطهیر نبوده است و از همین روی ایشان را اصحاب کسا و امام حسین(ع) را خامس اصحاب کسا، یعنی پنجمین شخصیت اصحاب کسا نام نهاده اند.

احمد حنبل و ترمذی، دو تن از محدثان بزرگ اهل سنت در کتب مسند و سنن خود نقل کرده اند که تا شش ماه پس از نزول آیه مذکور، پیامبر اکرم (ص) هر روز هنگامی که برای نماز صبح به مسجد می رفتند در جلوی خانه علی و فاطمه می ایستادند و بلند می فرمودند: الصلوة يا اهل بيت محمد، انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیرا.

**حسین(ع) و آیه مباهله**

در بین دانشمندان اسلامی، از شیعه و سنی، اتفاق نظر است که پیامبر در هنگام مباهله با عالمان مسیحی بحران، تنها علی، فاطمه، حسن و حسین را به همراه برد و آنان را مصداق ((ابنائنا)) و ((نساننا)) و ((انفسنا)) در آیه شریفه قرار داد این مطلب آن چنان مشهور و مسلم است که عالم بزرگ اهل سنت، حاکم نیشابوری، در کتاب ((معرفه علوم الحدیث)) خود این جریان را از مصادیق روایات متواتر می شمارد [۳۰].

ماجرا از این قرار است که اسقف مسیحیان نجران همراه با گروهی از علمای مسیحی خدمت رسول خدا شرفیاب شدند حضرت دین اسلام را بر آنها عرضه کرد ولی سرباز زدند و نپذیرفتند سرانجام وحی نازل شد و آنان را به مباهله با پیامبر دعوت کرد: فمن حاكك فيه من بعد ما جائك من العلم فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نساننا و نسانکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين (آل عمران / ۱۶) در روز موعود، رسول خدا دست اهل خویش را گرفت و برای مباهله حضور یافت

مسیحیان که دریافتند پیامبر با تمام سرمایه خویش به میدان مباحله آمده است از این کار تن زنند و به پرداختن جزیه رضایت دادند [۳۱].

#### وارث علم پیامبر

عکرمه شاگرد برجسته ابن عباس نقل می کند که روزی ابن عباس در مسجد برای مردم حدیث می گفت که نافع بن ازرق برخاست و گفت: ای ابن عباس! از احکام مورچه و پشه برای من مردم فتوای دهی؟ اگر علمی داری خدایی را که می پرستی برای من توصیف کن ابن عباس سر بزیر انداخت حسین به علی در گوشه مسجد نشسته بود، رو به نافع کرد و فرمود: ای نافع به سوی من بیا تا پاسخت را بازگویم.

نافع گفت: من از تو پرسیدم؟

ابن عباس گفت: یا ابن ازرق! انه من اهل بیت النبوة و هم ورثة العلم.

نافع به سوی امام رفت و حضرت پاسخ او را ارایه فرمود.

نافع گفت: ای حسین! سخنانت نیکو و پرمایه است.

فرمود: شنیده ام که تو پدرم و برادرم و مرا به کفر متهم کرده ای؟

گفت: قسم به خدا با آنچه از شما شنیدم بی تردید شما سرچشمه نورانی اسلام و ستارگان احکام خداهستید (لقد کنتم منار الاسلام و نجوم الاحکام).

امام فرمود: يك سؤال از تو می پرسم.

گفت: بپرس یابن رسول الله.

فرمود: آیه فاما الجدار فکان لغلامین یتیمین فی المدینه (کهف / ۸۱) را خوانده ای؟

ای نافع! چه کسی آن گنج گرانها را برای آن دو یتیم در زیر دیوار پنهان کرده بود تا به آنان ارث رسد.

گفت: پدر یتیمان.

فرمود: راستی پدر آنها بهتر و دلسوزتر برای فرزندانش بود یا رسول خدا؟

آیا می توان باور کرد که پیامبر علم گران بهای خویش را برای فرزندانش به ودیعت گذاشته باشد و ما را از آن محروم کرده باشد؟ [۳۲].

#### ریحانه پیامبر

پیامبر اکرم (ص) به میهمانی در خانه یکی از اصحاب دعوت شده بود همراه با یاران به راه افتاد، درحالی که جلوتر از دیگران راه می رفت حسن و حسین با کودکانی چند در کوچه به بازی مشغول بود رسول خدا به سوی او رفت تا او را بگیرد و او به این سو و آن سو می گریخت پیامبر در حالی که می خندید او را دنبال کرد تا او را گرفت يك دست را در زیر سر و دست دیگر را در زیر چانه حسین گذاشت و لب مبارکش را بر دهان حسین نهاد و بوسید و فرمود:

هذان ریحانتای من الدنيا من احبنی فلیحبهما؛

این دو گلهای زیبای من در دنیا هستند، هر کس مرا دوست بدارد باید آنان را دوست بدارد [۳۳].

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: روزی نزد رسول خدا نشسته بودیم که علی بن ابیطالب (ع) وارد شد حضرت رو به علی کرد و فرمود:

سلام عليك ابا الريحانتين اوصيك بريحانتی من الدنيا خيرا، فعن قليل ينهد رنكناك و الله عزوجل خلیفتی عليك

سلام بر تو ای پدر دو ریحانه [حسن و حسین]! تو را به این دو ریحانه زیایم از دنیا سفارش به نیکویی می کنم که بزودی دو رکن تو فرو ریزند.

جابر می گوید: هنگامی که پیامبر رحلت کرد، علی (ع) فرمود: این یکی از دو رکنی بود که رسول خداگفت و هنگامی که فاطمه وفات کرد، فرمود: این هم رکن دومی بود که رسول خدا گفت [۳۴].

در همین راستا روایت جالبی از عبدالله بن عمر نقل شده است که مربوط به امام، پس از واقعه عاشورا است ابن نعیم نقل می کند که نزد عبدالله بن عمر نشسته بودیم، مردی پیش آمد و از حکم خون پشه سؤال کرد که اگر در لباس نمازگزار باشد نمازش صحیح است یا خیر؟

عبدالله پرسید: از کجا می آیی و اهل کدام منطقه ای؟

گفت: اهل عراق هستم.

عبدالله گفت: این مرد را بنگرید که از خون پشه می پرسد، حال آن که اینان پسر رسول خدا را کشتند و سکوت کردند از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: حسن و حسین دو ریحانه من در این دنیا هستند [۳۵].

#### سختاوت امام حسین(ع)

روزی عربی نزد امام حسین (ص) آمده عرض کرد: ای پسر رسول خدا من ضامن شده ام دیه ای را بپردازم ولی توان پرداخت آن را ندارم با خود فکر کردم از کریم ترین مردم کمک می گیرم و از آل محمد(ص) کریم تر نیافتم.

فرمود: سه مسئله از تو می پرسم اگر یکی را پاسخ دهی يك سوم دیه را به تو می دهم و اگر دو مسئله را جواب دهی دو سوم آن را می پردازم و اگر همه را پاسخ دهی تمام آن را می دهم.

عرض کرد: ای پسر رسول خدا(ص) آیا چون تویی که اهل علم و شرفی از کسی مثل من سؤال می کند فرمود: آری از جدم رسول خدا(ص) شنیدم که فرمود: بخشش باید به اندازه معرفت باشد.

مرد عرب گفت: هر چه می خواهی بیرس اگر بدانم جواب می دهم وگرنه از شما یاد می گیرم .

فرمود: چه کاری برتر از همه کارهاست؟

گفت: ایمان به خدا.

فرمود: راه نجات از هلاکت چیست؟

گفت: اعتماد به خدا.

فرمود: زینت مرد چیست؟

گفت: دانشی توام با بردباری

فرمود: اگر نداشت؟

گفت: ثروتی همراه با جوانمردی

فرمود: اگر نداشت؟

گفت : فقری توام با صبر.

فرمود: و اگر نداشت؟

گفت: صاعقه ای که از آسمان بیاید و او را بسوزاند که سزاوار سوختن است .

حضرت خندید و کیسه ای حاوی هزار دینار به سوییخ انداخت و انگشتر خود را که نگینی به ارزش دویست درهم

داشت به او داد و فرمود: این طلا را به طلبکاران بده و این انگشتر را در امر زندگی خودصرف کن.

عرب مال را گرفت و می گفت: ((الله اعلم حیث یجعل رسالته )) سوره انعام آیه ۱۲۴.

یعنی خدا بهتر می داند رسالت خویش را در کجا قرار دهد [۳۶] .

### سقاوت و تواضع

روزی امام حسین (ص) چند کودک را دید که تکه نانی را با هم می خوردند از حضرت خواستند از نان آنها بخورد حضرت

دعوت ایشان را پذیرفت و از تکه نان شان خورد آنگاه آنان را با خود به منزل آورد غذا داد و لباس نو پوشید و فرمود: اینان

از من سقاوتمندترند زیرا تمام آنچه را داشتند بخشیدند و من فقط مقداری از آنچه داشتم به آنها بخشیدم [۳۷] .

### جود و شجاعت

زینب دختر ابو رافع نقل می کند که فاطمه (س) پس از آن که پدر بزرگوار خویش را از دست داد سخت دلگیر شد و دائما گریه

و ناله می کرد روزی دست حسن و حسین را گرفت و به نزدیک قبر پدر آمد وسخت گریست و شکوه کرد در بین شکوایه

های خویش عرض کرد: یا رسول الله ! آیا چیزی را برای این دو فرزند به ارث می گذاری ؟

صدای رسول خدا آمد که فرمود: اما الحسن فله هیتی و شؤودی و اما الحسین فله جراتی و جودی (اما برای حسن

هیبت و آقایی را به ارث می گذارم و اما برای حسین جرات و جودم را به ودیعت می نهم).

فاطمه زهرا عرض کرد: راضی و خشنود شدم ای رسول خدا [۳۸] .

### حج امام حسین (ع)

امام حسین (ص) در طول عمر شریف خود بیست و پنج بار پیاده به حج مشرف شد در حالی که همراه او اسبهای اصیل را

بدون سوار می بردند [۳۹] . آن حضرت در حالی که از امکانات کافی برخوردار بود و می توانست از وسایل موجود آن زمان

بسیاربالایی بهره مند شود به خاطر اظهار بندگی کامل و خضوع و خشوعی که در پیاده رفتن وجود دارد راه خانه خدا را پیاده

می پیمود اما اینکه در همان حال اسب های سواری را بدون سوار همراه خود می برد شاید به دو دلیل زیر بود: یکی آن که

هنگام بازگشت از آنها استفاده کنند و دیگر آنکه حرکت با خدم و حشم بیشتر بر بندگی و اطاعت محض دلالت دارد.

### مناجات

امام حسین (ع) را دیدند که در مسجد مدینه صورت بر خاک نهاده می گوید: الهی اگر به خاطر گناهانم بازخواستم کنی به

کرمیت توسل می جویم و اگر با خطاکاران جسم کنی به آنها خواهم گفت ترا دوست دارم آقای من اطاعت من برای تو نفعی

ندارد و معصیتم زبانی به تو نمی رساند پس اگر آنچه را نفعی برایت ندارم به جا نیاورم بر من ببخش و اگر آنچه که را

ضرری به تو نمی زند مرتکب شدم در گذر که تو ارحم الراحمینی [۴۰]

پی نوشت:

(۱) در سال و ماه و روز ولادت امام حسین علیه السلام اقوال دیگری هم گفته شده است، ولی ما قول مشهور بین شیعه را نقل

کردیم. رک اعلام الوری طبرسی، ص ۲۱۳.

(۲). تاریخ دمشق ابن عساکر ترجمه الامام حسین(ع) ص ۲۶ و ۲۷ و اسد الغابه ج ۲ ص ۱۹.

(۳). تاریخ دمشق، ص ۳۱ و ۳۲ به همین مضمون روایاتی در المعجم الکبیر طبرانی و طبقات ابن سعد، ذیل سرگذشت امام

حسین(ع) آمده است.

(۴). فرائد السمطین ج ۲ ص ۱۰۴ و ینابیع الموده ص ۳۱۸ باب ۶۰.

(۵). ینابیع الموده ص ۳۱۹ باب ۶۰.

(۶). همان ص ۳۲۰ باب ۶۰.

(۷). گفته اند که امام حسن (ع) در صورت و چهره به پیامبر بیشتر شباهت دارد و امام حسین (ع) در قامت و هیکل به

ایشان شبیه تر بود رک : تاریخ دمشق ترجمه امام حسین , ص ۴۱ تا ۴۵ رک : تاریخ دمشق ترجمه امام حسین (ع) ص

- (۸). صحیح بخاری ج ۵ ص ۳۳ نیز مراجعه کنید به تاریخ دمشق ترجمه امام حسین ص ۴۶ تا ۵۰.
- (۹). مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۱۴۶ و فرائد السمطين ج ۲ ص ۱۳۱ باب ۳۰.
- (۱۰). طبقات ابن سعد ترجمه امام حسین مؤسسه آل البيت ص ۲۳ این روایت در سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۵۶ و سنن نسایی روایت ۵۸۲۴ و نیز نقل شده است.
- (۱۱). تاریخ ابن عساکر ترجمه امام حسین (ع) ص ۱۳۹.
- (۱۲). تاریخ دمشق ابن عساکر ترجمه امام حسین , ص ۱۴۶.
- (۱۳). سنن ترمذی ج ۱۳, ص ۲۴۸ و اسدالغابه ج ۷ ص ۲۲۵ و مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۴۹.
- (۱۴). کنزالعمال ج ۷ ص ۱۰۶.
- (۱۵). تاریخ دمشق ابن عساکر صص ۱۵۳ - ۱۴۳.
- (۱۶). مسند احمد بن حنبل ج ۳ ص ۴۹۳ و الطبقات الکبری ابن سعد ج ۸.
- (۱۷). سنن ترمذی ج ۱۳ ص ۱۸۹ و مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۸۱.
- (۱۸). مسند احمد بن حنبل ج ۵ ص ۳۵۴ و سنن ترمذی ج ۱۳, ص ۱۹۴ و مستدرک حاکم نیشابوری ج ۱ ص ۲۸۷.
- (۱۹). تاریخ ابن عساکر ترجمه امام حسین (ع) ص ۱۳۲ و المعجم الکبیر طبرانی ج ۳ ص ۱۱۶.
- (۲۰). تاریخ ابن عساکر زندگی امام حسین (ع) ص ۶ - ۱۳۵.
- (۲۱). تاریخ ابن عساکر ترجمه امام حسین (ع) ص ۱۴۹.
- (۲۲). تاریخ ابن عساکر ص ۲۱۰.
- (۲۳). همان صص ۶۲ و ۶۳.
- (۲۴). فرائد السمطين ج ۲ ص ۹۸.
- (۲۵). کنزالعمال ج ۱۲ ص ۱۱۲ مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۶۷.
- (۲۶). مسند احمد بن حنبل ج ۵ ص ۳۹۱ و کنز العمال ج ۱۲ ص ۱۰۲.
- (۲۷). تاریخ ابن عساکر صص ۸۵ تا ۸۲.
- (۲۸). مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۱۴۵.
- (۲۹). اسد الغابه ج ۷ ص ۲۲۲ و المعجم الکبیر ج ۲۳, ص ۳۹۶ و المستدرک حاکم نیشابوری ج ۳, ص ۱۴۶ و نیز رک: تفسیر درالمنثور و تفسیر ابن کثیر ذیل آیه تطهیر.
- (۳۰). معرفة علوم الحديث ص ۶۲.
- (۳۱). تفسیر جامع البیان طبری و تفسیر درالمنثور سیوطی ذیل آیه شریفه و الطبقات ابن سعد ترجمه امام حسین ص ۲۹.
- (۳۲). تاریخ دمشق ابن عساکر ص ۲۲۴ و بغیة الطالب ترجمه امام حسین ص ۱۴۴.
- (۳۳). همان ص ۱۱۸ مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۶۴.
- (۳۴). حلیة الاوصیا ابو نعیم اصفهانی ج ۳ ص ۲۰۱.
- (۳۵). صحیح بخاری ج ۵ ص ۳۳ و سنن ترمذی ج ۴ ص ۳۳۹.
- (۳۶). مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۱۵۷ تذکره سبط بن الجوزی ص ۲۱۱.
- (۳۷). مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۱۵۵.
- (۳۸). المعجم الکبیر طبرانی ج ۲۲ ص ۴۲۳ و کنزالعمال ج ۴ ص ۵۹۹.
- (۳۹). مقتا , خوارزمی , ج ۱ ص ۱۵۵ , تاریخ ابن عساکر , زندگی امام حسین , (۶) ص ۱۴۹.
- (۴۰). مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۱۵۳.